

از فلسفه تا ارتباطات

فلسفه، پایه ای ترین دانشی که در تاریخ بشر می شناسیم. هر انسانی، به فلسفه روی می آورد تا بتواند جهان بیرون و جهان درونش را معنا کند. اصول کلی زندگی انسان در مسیری مشخص پیش می رود که هدایت این مسیر و دلیل انجام رفتار یا فعالیت خاص برخواسته از فلسفه انسان است. فلسفه در معنی لغوی از دو کلمه یونانی *philia* به معنی دوست داشتن و *sophia* به معنی عقل و خرد گرفته شده است که چهارچوبی برای فعالیت های زندگی بوده و به مفهوم دوستدار عقل و خرد است. حال آن که انسان براساس فلسفه به شناخت خود، هستی و ارزش های پیرامون خود پرداخته، تصمیمات و رفتارهای فردی را براساس آن شکل می دهد. فلسفه، اعتقادات و ارزش ها، روش ارتباط افراد را با یکدیگر تعیین می نماید و مجموعه اعتقادات و ارزش هایی است که رفتار فرد را هدایت کرده و شکل می دهد.

بحث فلسفه و ضرورت آگاهی از ابعاد آن در روابط، رفتارها و تصمیمات اخلاقی ما از آنجا ظهور می نماید که در علوم پزشکی و پیراپزشکی به عنوان ارائه دهندگان خدمات بهداشتی-درمانی در روابط خود با انسان سروکار دارند. تصمیم صحیح، فعالیت و رفتار مناسب تیم درمانی مراقبتی در برابر مددجویان به عنوان یک انسان حائز اهمیت است.

در این فلسفه مراقبت و درمان پزشکی یک تعامل دوطرفه بین بیمار و تیم مراقبتی ایجاد می نماید که ابعاد جسمی و درونی دو گروه را درگیر می نماید. مرکز این فلسفه را ارتباطات و هدف مراقبت بهداشتی را بهبود روابط تشکیل می دهد. اخلاق پزشکی بر پایه اصول باید در درون اشخاص نهادینه شود و فعل اخلاق فعلی که از ایمان به خدا سرچشمه می گیرد به همین جهت اخلاق امری درونی در نظر گرفته شده است.



دو مکتب فلسفی اصلی که از زمان باستان تا اکنون مطرح می باشد، ایدالیسم و رئالیسم است که به مرور زمان مکاتب فلسفی معاصر (اگزیستانسیالیسم، اومانیزم، پراگماتیسم و ...) در ادامه خط فکری دو مکتب اولیه قرار گرفتند. اصول کلی ایدالیسم ها عبارتند از: روح و روان واقعیت را می سازند. انسان از نظر روحی یک آفریده برتر است. خداوند منبع دانش است. ارزش ها مطلق و لایتغیر هستند. واقعیت ایده پنهانی در ورای اشیاء است

در حالی که در فلسفه رئالیسم یا مکتب اصالت واقع بر خرد انسان تکیه دارد و بررسی علوم طبیعی و کشف قوانین از طریق تجربه حسی، مشاهده و آزمایش محور فعالیت های این مکتب است.

مکتب اگزستانسیالیسم یا اصالت وجود عمدتاً محصول قرن 21 است. علم اخلاق، در علوم پزشکی به طور عمده از فلسفه اگزستانسیالیسم تأثیر پذیرفته است (این مکتب فکری قادر به مشخص نمودن جنبه های دقیق موقعیت، بحث و مناظره گسترده در مورد سردرگمی ها و وضعیت های دشوار در مسائل اخلاقی است) و بر تعامل دو طرفه تیم درمانی و بیمار تأکید دارند.

